

بازپژوهی جرم مرکب در حقوق کیفری ایران*

- محمدابراهیم شمس ناتری^۱
- فرشاد چنگایی^۲
- حامد رهدارپور^۳

چکیده

تشخیص جرم مرکب از جرم ساده به عنوان یکی از نتایج تقسیم‌بندی جرایم از لحاظ عنصر مادی، از جهات مختلف از جمله چگونگی تحقق جرم، تشخیص قانون لازم الاجرا، تحقق مرور زمان، تعیین مسئولیت کیفری و دادگاه صالح دارای اهمیت است. با این حال، تا کنون ماهیت این جرم در حقوق کیفری ایران به روشنی تبیین نشده و صرفاً به توضیحات مختصر و ذکر مصداق واحد (کلاهبرداری) اکتفا شده است. در تفسیر ماهیت پیچیده جرم مرکب دو برداشت متفاوت وجود دارد که مورد بررسی و نقد قرار گرفته است. در این مقاله تعیین ماهیت جرم مرکب و تمیز آن از جرم ساده بر اساس

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۲/۱۱ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۰/۵.

۱. دانشیار دانشگاه تهران، پردیس قم (shams_m_e@yahoo.com).

۲. کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی (نویسنده مسئول) (farshad_law2@yahoo.com).

۳. کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی (نویسنده مسئول) (rahdarpour@yahoo.com).

مطلق یا مقید بودن جرم صورت گرفته که بر این اساس جرم مرکب همانند جرم ساده اعم از مطلق یا مقید است. مهم ترین فایده این تقسیم‌بندی علاوه بر شناسایی بدون ابهام ماهیت جرم مرکب، تعیین مصادیق دیگری برای آن، علاوه بر جرم کلاهبرداری است.

واژگان کلیدی: جرم مرکب، جرم ساده، رفتار مرتکب، نتیجه مجرمانه، مطلق یا مقید بودن جرم.

مقدمه

متفاوت بودن طبع بسیاری از جرایم در مقایسه با یکدیگر و تأثیر آن در نوع مرجع رسیدگی کننده، نحوه تحقق جرم، مرور زمان، چگونگی تعقیب و... عامل تقسیم‌بندی جرایم از منظرهای مختلف است. منشأ هر یک از تقسیم‌بندی‌هایی که در حقوق کیفری در خصوص جرایم ارائه گردیده، آثار مترتب بر هر یک از این تقسیم‌بندی‌هاست. یکی از این تقسیم‌بندی‌ها که ریشه در طبقه‌بندی جرایم برحسب عنصر مادی دارد، تقسیم جرایم به ساده و مرکب است (افراسیابی، ۱۳۸۲: ۳۵۳). در خصوص مفهوم و معیار تفکیک جرایم مذکور، بین حقوق دانان اتفاق نظر وجود ندارد، به گونه‌ای که برخی از حقوق دانان مفهوم و معیار تشخیص جرم مرکب را از جرایم ساده، «تعدد اجزای عنصر مادی» دانسته‌اند (اردبیلی، ۱۳۸۵: ۲۱۴؛ ولیدی، ۱۳۸۴: ۶۲)، حال آنکه گروهی دیگر به «تعدد رفتار» تمسک جسته‌اند (نوربها، ۱۳۸۸: ۲۳۳). با توجه به اینکه هیچ یک از این نظرات از ایراد مصون نمانده‌اند، مبنا قرار دادن هر کدام از مفاهیم و معیارهای مذکور گاهی با تالی فاسد همراه است. شناخت دقیق و به عبارت دیگر بازشناخت جرم مرکب مانع بروز مشکلات دیگری نیز خواهد شد؛ زیرا اگر جرم مرکب به درستی شناسایی نگردد، در عرصه‌های مختلف حقوق کیفری از قبیل تحقق جرم، مرور زمان، تعیین دادگاه صلاحیت‌دار، تعیین قانون لازم‌الاجرا و... مؤثر خواهد بود. بنابراین ابتدا باید دانست که جرم مرکب چه تأثیری در باب‌های مختلف حقوق کیفری دارد؟ آیا تعاریف و معیارهای ارائه‌شده از سوی حقوق دانان در تشخیص و شناخت جرم مرکب کارآمد است؟ و اما مسئله اصلی اینکه معیار شناسایی جرم مرکب از جرم ساده و سایر جرایم مشابه و یا به عبارت بهتر وجه تمایز جرم مرکب از جرم ساده چیست؟ بنابراین هدف اصلی در این مقاله

ضمن بررسی و برشمردن ایرادهای تعاریف و معیارهای ارائه‌شده از سوی حقوق‌دانان، ارائه مفهوم و معیاری نسبتاً دقیق از جرم مرکب است تا بهتر بتوان آن را از جرایم ساده و سایر مفاهیم مشابه بازشناخت.

بدین منظور مقاله حاضر در دو فصل سامان یافته است. در فصل اول ضرورت شناسایی و به عبارت دقیق‌تر ضرورت بازشناخت جرم مرکب و در فصل دوم، ارکان تحقق آن از نظر خواهد گذشت.

۱. ضرورت شناسایی جرم مرکب

با نگاهی به قوانین جزایی ایران درمی‌یابیم که نحوه تحقق برخی از جرایم با یکدیگر متفاوت است. همچنین نحوه اثبات و همچنین مسئولیت کیفری مرتکبان این دسته از جرایم دارای ویژگی‌های خاص و منحصر به فردی است که مشابه آن را در سایر جرایم نمی‌توان یافت. شناخت جرایم مذکور و بررسی ابعاد مختلف آن به دلیل آثار فراوانی که در پی دارد لازم و ضروری است. این جرایم همان جرایم مرکبند که بیشتر حقوق‌دانان کیفری نیز به آن پرداخته‌اند. در این قسمت، به بررسی آثار مختلف این دسته از جرایم در مراحل مختلف حقوق کیفری و تعیین جایگاه آن‌ها در دسته‌بندی‌های مختلف می‌پردازیم تا ضرورت شناسایی جرم مرکب بیشتر نمایان گردد.

۱-۱. آثار جرم مرتکب در حقوق کیفری

آثار جرایم مرتکب را می‌توان به وضوح در مباحث مختلف حقوق کیفری مشاهده نمود که از جمله آن‌ها می‌توان به آثار آن در تحقق جرم و مرور زمان، مسئولیت کیفری مرتکب و صلاحیت دادگاه اشاره نمود (نوربها، ۱۳۸۵: ۲۳۳).

۱-۱-۱. تحقق جرم و مرور زمان

برای تحقق جرم وجود سه عنصر قانونی، مادی و معنوی ضروری است، به گونه‌ای که بدون وجود و اثبات این عناصر نمی‌توان کسی را به بهانه ارتکاب جرم، تعقیب، محاکمه و مجازات کرد. صرف نظر از عنصر قانونی و معنوی، در خصوص عنصر

مادی باید گفت بسیاری از جرایم که به جرایم ساده معروفند، دارای عنصر مادی چندان پیچیده‌ای نیستند، بلکه انجام یک رفتار و گاه وقوع یک نتیجه برای تحقق جرم کافی است، در حالی که در مقابل جرایم ساده، جرایم مرکب قرار دارند که در عنصر مادی آن پیچیدگی خاصی نهفته است به گونه‌ای که تحقق جرم مستلزم انجام اجزای متنوعی است که شرط وقوع جرم قرار گرفته اند و چنانچه برخی از اجزا یا حتی یکی از آنان محقق نگردد آنچه به وقوع پیوسته جرم مرکب نیست؛ زیرا هر کدام از اجزای مذکور شرط تحقق جرم می‌باشند. برای نمونه می‌توان به بارزترین مصداق جرم مرکب یعنی کلاهبرداری اشاره نمود. در این جرم، اوضاع و احوال و شرایط کاملاً پیچیده و از چند جزء تشکیل شده است (Jones, 2004: 3).
 توسل به وسایل متقلبانه و بردن مال غیر، اجزای تشکیل دهنده این جرم هستند که اگر یکی از آن‌ها محقق نگردد، کلاهبرداری منتفی است، مشروط به اینکه توسل به مانور متقلبانه، مقدم بر بردن مال غیر باشد. همچنان که در رأی اصراری شماره ۲۸-۱۳۷۴/۸/۱۶ چنین مقرر شده که «... در کلاهبرداری توسل به وسایل متقلبانه باید مقدم بر به دست آوردن مال غیر باشد». بر همین امر در رأی شماره ۶۷۰ سال ۱۳۷۰ شعبه دیوان عالی کشور نیز تأکید شده است. در واقع در این نوع از جرایم، اراده قانون‌گذار ناظر به تک‌تک اجزای تشکیل دهنده جرم است، به گونه‌ای که اگر حتی یک جزء هم تحقق پیدا نکند، جرم مرکب واقع نخواهد شد (محسنی، ۱۳۸۲: ۳۵۶).
 شناسایی دقیق جرایم مرکب به دلیل تأثیر آن در مرور زمان نیز مفید است؛ زیرا اگر زمان تحقق مرور زمان را ارتکاب اولین جزء از جرایم مرکب در نظر بگیریم، مرور زمان از همان لحظه آغاز می‌شود و چنانچه مرور زمان را از تاریخ تحقق آخرین جزء تشکیل دهنده جرم مرکب فرض کنیم مرور زمان از همان تاریخ شروع می‌گردد. در خصوص مرور زمان جرایم مرکب، همه حقوق‌دانان کیفری بر آنند که مرور زمان از انجام آخرین عمل شروع می‌شود؛ زیرا از این تاریخ است که جرم به طور کامل واقع شده است (معمد، ۱۳۵۱: ۳۴؛ صانعی، ۱۳۸۲: ۴۴۹)، به گونه‌ای که اگر کسی به قصد کلاهبرداری، پنج سال پیش به شیوه‌های متقلبانه متوسل شده باشد، این گونه اعمال مقدماتی هیچ تأثیری در حصول مرور زمان نداشته و مرور زمان از

تاریخ تحقق نتیجه یعنی بردن مال غیر شروع می شود (محسنی، ۱۳۸۲: ۳۶۱).

۱-۱-۲. مسئولیت کیفری

از دیگر آثار جرم مرکب، تأثیر آن بر مسئولیت افراد شریک در جرم می باشد، با این توضیح که چون در جرایم ساده و بسیط، جرم از یک جزء تشکیل یافته، هر کس که به تنهایی یا همراه با شخصی دیگر مرتکب آن گردد مسئول و سزاوار کیفر می باشد؛ زیرا در همه صورت های یادشده، جرم به وسیله افراد مذکور انجام شده است (Keenan, 2001: 59) و چنانچه کسی به آنان کمک کند، با لحاظ سایر شرایط، از باب معاونت مسئولیت کیفری خواهد داشت. ولی در جرایم مرکب چون جرم از چند جزء تشکیل شده موضوع اندکی پیچیده است. در جرم مرکب مرتکب ممکن است تمام اجزای جرم را به تنهایی انجام دهد یا اینکه در تمام اجزای آن از آغاز تا پایان با دیگری مشارکت نماید. این مقدار عمل که مصداق شرکت در جرم مرکب است، برای ایجاد مسئولیت کافی است. چنانچه جزئی از جرم مرکب را یک نفر و جزء دیگر آن را دیگری انجام دهد، باز هم هر دو از باب شرکت در جرم، مسئولیت کیفری دارند. بنابراین اگر افراد مذکور با وجود عنصر معنوی، جزئی از جرم مرکب را انجام دهند دلیلی بر عدم تحقق شرکت در جرم نیست؛ زیرا در این حالت، جرم واقع شده به هر دو نفر منتسب و نتیجه افعال هر دو می باشد و همین امر برای ایجاد مسئولیت کیفری آن ها کافی است (Bell & Boyron & Whittaker, 1998: 216). همچنین اگر شخصی هر یک از آن ها را حتی در انجام صرفاً جزئی از جرم مرکب یاری رساند، از باب معاونت در جرم مرکب مسئولیت کیفری خواهد داشت. برای مثال اگر شخصی برای کلاهبرداری به وسایل متقلبانه توسل نمود و دیگری مال غیر را تحصیل کرد و نهایتاً نفر سوم مال وی را بُرد، فردی که هر یک از این سه نفر را یاری می کند (به شیوه های مذکور در ماده ۴۳ قانون مجازات اسلامی) معاون در کلاهبرداری محسوب می شود.

۱-۱-۳. قانون لازم الاجرا

یکی دیگر از آثار بسیار مهم جرم مرکب در حقوق کیفری، تشخیص قانون

لازم الاجراست. اصولاً جرم در هر زمانی که محقق گردد قانون آن زمان نیز نسبت به آن لازم الاجرا می‌باشد و قاضی نمی‌تواند حکم قانون لاحق را به مصادیق سابق تسری دهد و افعالی را که پیش از تصویب قانون، جرم نبوده، به استناد قانون جدید مجازات نماید (اردبیلی، ۱۳۸۵: ۱۶۰). این همان نهادی است که در حقوق کیفری به «عطف به ماسبق نشدن قوانین» معروف است. اعمال این اصل در جرایم مرکب در مقایسه با جرایم ساده اندکی متفاوت و پیچیده است. هرگاه تمام اجزای جرم مرکب در زمان قانون قدیم انجام شده باشد، قانون قدیم و هرگاه تمام اجزای جرم مرکب در قانون جدید واقع شده باشد قانون جدید، لازم الاجرا خواهد بود. در فرض‌های اخیر بین جرم ساده و مرکب در تعیین قانون لازم الاجرا تفاوتی وجود ندارد، اما اشکال اساسی در خصوص جرایم مرکب، زمانی است که جزئی از جرم مرکب در زمان قانون قدیم خفیف و جزء دیگر آن در زمان قانون جدید شدید محقق گردد. حال باید مشخص نمود که کدام یک از این قوانین نسبت به جرم ارتكابی لازم الاجراست؟ در پاسخ به این سؤال حقوق دانان اختلاف نظر دارند به گونه‌ای که برخی قانون قدیم (محسنی، ۱۳۸۲: ۳۶۳) و برخی دیگر قانون جدید را لازم الاجرا می‌دانند (اردبیلی، ۱۳۸۵: ۲۱۵).

۱-۱-۴. تعیین دادگاه صالح

یکی از اصول پذیرفته شده حقوق جزا این است که به هر جرم در دادگاهی رسیدگی می‌شود که در حوزه قضایی آن واقع شده باشد (مدنی، ۱۳۷۹: ۱۷۳). گاهی این مشکل پیش می‌آید که تعیین مکان وقوع جرم، گاه چندان ساده نیست. البته تعیین آن در جرایم ساده همواره معلوم و مشخص است، ولی در جرم مرکب چون هر جزء از جرم، ممکن است در مکان متفاوتی واقع شود، اشکالاتی نیز ممکن است در تعیین دادگاه صالح ایجاد گردد (محسنی، ۱۳۸۲: ۳۶۲). برخی حقوق دانان معتقدند هر یک از دادگاه‌هایی که قسمتی از جرم در حوزه آن واقع شده، صلاحیت رسیدگی به جرم مرکب را خواهد داشت (معمد، ۱۳۵۱: ۳۴؛ محسنی، ۱۳۸۲: ۳۶۳). برخی دیگر بیان می‌کنند که چون وقوع جرم مرکب مستلزم

انجام تمام اجزای آن می‌باشد و تا زمانی که آخرین جزء آن واقع نشده، اصولاً جرم مرکب محقق نگردیده است، بنابراین دادگاهی صلاحیت رسیدگی به جرم مرکب را دارد که آخرین جزء مادی در حوزه آن واقع شده باشد (گلدوست، ۱۳۸۶: ۱۳۰؛ صاعی، ۱۳۷۲: ۴۴۹).

۲-۱. جایگاه جرم مرکب در حقوق کیفری

تبیین جایگاه جرم مرکب در حقوق کیفری کمک شایانی به شناسایی و در صورت لزوم بازشناخت این عنوان می‌کند؛ زیرا بهتر می‌توان نقاط ابهام را برطرف نمود و ماهیت آن را به درستی تشخیص داد. لذا در ادامه جایگاه جرم مرکب را در میان تقسیم‌بندی‌های مختلف در حقوق کیفری، از نظر می‌گذرانیم.

۱-۲-۱. تقسیم‌بندی جرایم از نظر عنصر قانونی

یکی از گونه‌های طبقه‌بندی جرایم تقسیم آن‌ها بر اساس عنصر قانونی است؛ یعنی بر اساس شاخص‌هایی که قانون‌گذار برای جرایم، شرایط تحقق و تفاوت آن‌ها برشمرده، مشخص می‌شوند. یکی از مهم‌ترین فواید طبقه‌بندی جرایم از لحاظ قانونی تقسیم آن‌ها به لحاظ شدت و ضعف مجازات است که در نهایت به ایجاد تقسیماتی همچون حدود، قصاص، دیات و تعزیرات منجر می‌شود (باهری، ۱۳۸۴: ۱۸۸). با این حال نمی‌توان جرم مرکب را با این معیار سنجید و جایگاه آن را در این میان پیدا نمود؛ زیرا به نظر می‌رسد که این تقسیم‌بندی بیش از آنکه طبقه‌بندی جرایم باشد، معطوف به مجازات است؛ زیرا هرچند مطابق این معیار «جرایم» به دسته‌بندی‌های مختلف تقسیم می‌شوند، مبنای این تفکیک «مجازات» تعیین شده برای آن‌هاست. همچنان که لایحه مجازات اسلامی ۱۳۹۰ تقسیم جرایم را به حدود، قصاص، دیات و تعزیرات، صرفاً بر مبنای شدت و ضعف مجازات دانسته است، لذا این ملاک اساساً هیچ توصیفی از ماهیت و شرایط تحقق جرمی خاص به دست نمی‌دهد. بنابراین برای شناخت ماهوی مفهوم جرم مرکب نمی‌توان به آن استناد کرد.

تقسیم جرایم بر اساس عنصر قانونی به تفکیک جرایم حقوق عمومی از جرایم

حقوق اختصاصی نیز می‌انجامد (اردبیلی، ۱۳۸۵: ۲۵۹). جرایم حقوق عمومی جرایمی هستند که تابع قواعد ماهیتی و شکلی مشترک و صلاحیت عام دادگاه‌ها می‌باشند. در برابر آن‌ها جرایم حقوق اختصاصی قرار دارند که تابع احکامی جدا از احکام عام ناظر بر جرایم عمومی هستند و یکی از مهم‌ترین مصادیق این جرایم را می‌توان جرم سیاسی به شمار آورد (همان: ۲۶۰). شناخت جایگاه جرم مرکب در میان جرم عمومی و جرم سیاسی از آن جهت قابل اهمیت است که برخی حقوق‌دانان یکی از معانی جرم مرکب را جرایم مختلف الوجهی می‌دانند که از لحاظ عمومی یا سیاسی بودن جنبه‌های مختلفی دارند؛ مثل قتل رئیس جمهور که هم جنبه سیاسی و هم جنبه عمومی دارد (محسنی، ۱۳۸۲: ۳۳۱). به هر حال منظور سایر حقوق‌دانان از جرم مرکب که آثار بسیار مهمی در حقوق کیفری دارد، برداشت مذکور نیست و حقوق‌دانان اخیر نیز که به این نوع جرم اشاره نموده‌اند به این امر کاملاً توجه دارند و به همین دلیل تلاش کرده‌اند تا با وضع لفظ جرم «مختلف الوجه» این وضعیت را از جرم مرکب (به معنای خاص) جدا نمایند. بنابراین با اینکه می‌توان در میان تقسیم‌بندی جرایم از لحاظ عنصر قانونی، نشانی از جرم مرکب پیدا نمود و جایگاهی برای آن متصور شد، ولی آنچه که منظور حقوق‌دانان از جرم مرکب می‌باشد چیزی غیر از جرم مرکب مورد بحث در این مقاله است و باید برای شناخت جایگاه جرم مرکب مورد نظر، به سایر طبقه‌بندی‌ها نیز توجه نمود.

۱-۲-۲. تقسیم‌بندی جرایم از لحاظ عنصر مادی

مهم‌ترین جایگاه تحلیل جرم مرکب، بررسی و شناخت آن در میان طبقه‌بندی‌های ارائه‌شده از لحاظ عنصر مادی است؛ زیرا علت اصلی این مفهوم همان طور که پیشتر اشاره شد و در ادامه نیز بیشتر توضیح داده می‌شود، ترکیب نوع خاصی از جرایم، از اجزای مختلف مادی است. لذا بحث اصلی در عنصر مادی جرم است. حقوق‌دانان در طبقه‌بندی جرایم از نظر عنصر مادی به جرم مرکب توجه می‌کنند (ولیدی، ۱۳۸۴: ۲۸۸؛ اردبیلی، ۱۳۸۵: ۲۷۷). مطابق این دیدگاه، جرم مرکب در مقابل جرم ساده قرار دارد و نیازمند اجرای اعمال مادی گوناگون و گاه پیچیده است، در حالی

که جرم ساده در اثر عمل واحدی صورت می‌گیرد (نوربها، ۱۳۸۵: ۲۳۳). در این تقسیم‌بندی نیز باید جرم مرکب را از جرم به عادت تفکیک نمود؛ زیرا برخی مواقع جرم به عادت به جرم مرکب شباهت زیادی پیدا می‌کند تا جایی که حتی شاید نوعی جرم مرکب تلقی شود. با این حال اختلاف اساسی آن‌ها در این است که در جرایم مرکب، اجزای تشکیل‌دهنده جرم شبیه هم نیستند، بلکه برخی از اجزا، مقدمه جزء دیگر می‌باشند، در صورتی که در جرایم به عادت این اجزا با هم شباهت کامل دارند و هیچ یک مقدمه دیگری محسوب نمی‌شوند. به عبارت دیگر، گرچه رفتار مجرمانه در جرم به عادت از چند جزء تشکیل می‌شود، «تکرار یک عمل واحد است که جرم به عادت را به وجود می‌آورد» (محسنی، ۱۳۸۲: ۳۵۹). حال آنکه جرم مرکب از افعال متفاوت و متنوع تشکیل می‌شود.

دیگر زمینه بررسی جرم مرکب از لحاظ عنصر مادی، رویکرد بررسی شمار رفتار مادی در عنصر مادی جرایم مختلف است. مطابق این دیدگاه که از سوی برخی حقوق‌دانان ارائه شده، باز هم می‌توان به جرم مرکب رسید. بر این اساس، هنگامی که عنصر مادی جرم از یک فعل واحد تشکیل شده باشد، جرم ساده بوده و اگر از افعال مادی متعدد به وجود آمده باشد، بر حسب اینکه افعال متنوع یا مشابه باشند، جرم مرکب و جرم به عادت ایجاد می‌گردد. مطابق این رویکرد، جرمی را مرکب گویند که عنصر مادی آن از افعال متنوع و به قصد تحقق نتیجه واحدی ترکیب یافته باشد (اردبیلی، ۱۳۸۵: ۲۱۴). مثلاً در کلاهبرداری همان‌گونه که اتفاق نظر وجود دارد، تحقق عنصر مادی حداقل مستلزم انجام دو رفتار متنوع می‌باشد؛ توسل به وسایل متقلبانه، بردن مال دیگری. همان‌طور که از نتایج این رویکردها برمی‌آید اتخاذ هر کدام از آن‌ها یک نتیجه واحد را شامل می‌شود و آن اینکه از این منظر، جرم مرکب جرمی است که عنصر مادی آن با افعال متنوع و به قصد تحقق نتیجه واحد محقق می‌گردد. این تعریف تا زمانی که عملاً در بوته آزمایش قرار نگرفته باشد، ظاهراً اقناع‌کننده است، ولی همان‌طور که در فصل بعد بررسی خواهیم نمود، با دقت و نکته‌سنجی بیشتر، ایرادهای آن نمایان خواهد شد.

۱-۲-۳. تقسیم‌بندی جرایم بر اساس عنصر روانی

از دیگر تقسیم‌بندی‌های مشهور بین حقوق‌دانان کیفری، تقسیم جرایم بر حسب عنصر روانی است. بر این اساس جرایم را به جرایم عمدی و غیر عمدی تقسیم می‌کنند. جرایم عمدی به جرایمی اطلاق می‌شوند که همراه با قصد مجرمانه تحقق می‌یابند در حالی که جرایم غیر عمدی با خطای جزایی محقق می‌گردند (گلدوزیان، ۱۳۸۴: ۴۳). اینکه جرایم مرکب جزء مصادیق کدام یک از این تقسیم‌بندی‌ها قرار می‌گیرند نیاز به بررسی اجمالی دارد. در ابتدای امر به نظر می‌رسد که جرم مرکب صرفاً به صورت عمدی و با قصد مجرمانه محقق شود، بدین صورت که وقتی شخصی، دیگری را به قصد برهم زدن امنیت کشور شناسایی و جذب و سپس به دولت خصم معرفی می‌نماید یا هنگامی که مال غیر را با توسل به وسایل متقلبانه می‌برد، در این هنگام وی دارای قصد مجرمانه بوده و جرم به صورت عمدی محقق شده است. حال، مسئله این است که آیا می‌توان تحقق جرم مرکب را به صورت غیر عمدی نیز تصور نمود؟ در پاسخ باید گفت که جرایم مرکب دارای ویژگی خاصی نیستند که لزوماً به صورت عمدی قابل تحقق باشند و جرایم غیر عمدی نیز دارای شرایطی نیستند که جرایم مرکب را شامل نشوند، بلکه همان گونه که جرم مرکب به صورت عمدی قابل تحقق است به طور غیر عمدی نیز می‌تواند محقق گردد. بنابراین در این نوع تقسیم‌بندی نمی‌توان جایگاهی مستقل برای جرم مرکب در نظر گرفت؛ زیرا منشأ پیدایش تقسیم جرایم مرکب، عنصر مادی می‌باشد که در بند پیش از نظر گذشت.

۲. ارکان تحقق جرم مرکب

در این فصل به منظور شناسایی دقیق جرم مرکب و تشخیص آن از جرم ساده و سایر نهادهای مشابه، ابتدا تعریف‌ها و معیارهایی را که حقوق‌دانان به منظور شناخت جرم مرکب ارائه نموده‌اند، بررسی نموده و ضمن بیان ایرادهای وارد بر این تعریف‌ها و معیارها، در راستای شناسایی دقیق جرم مرکب مفهوم و معیاری نسبتاً دقیق ارائه خواهیم داد تا با ملاک قرار دادن آن علاوه بر رفع ابهامات موجود، به روشنی بتوان ماهیت جرم مرکب را شناخت و آن را از جرایم ساده و سایر نهادهای مشابه نیز تفکیک نمود.

۲-۱. نقد مفاهیم ارائه شده از جرم مرکب

مطالب این مبحث را با نقد و بررسی ابهام‌های ناشی از تعاریف ارائه شده از جرم مرکب و همچنین معیارهای شناخت آن پی می‌گیریم.

۲-۱-۱. ابهام در تعاریف ارائه شده از جرم مرکب

جرم مرکب دارای مفهوم حقوقی است و در قانون هیچ تعریفی از آن ارائه نشده است. بنابراین شناخت آن مستلزم مراجعه به کتب حقوقی و بررسی نظرات حقوق دانان است. برخی حقوق دانان جرم مرکب را مجموعه‌ای از اعمال مختلف تلقی کرده اند که به تنهایی قابل مجازات نیستند ولی مجموعاً جرمی را به وجود می‌آورند (صانعی، ۱۳۷۲: ۳۸۴). برخی دیگر از حقوق دانان جرمی را که نیاز به اجرای اعمال مادی گوناگون و گاه پیچیده دارد، جرم مرکب فرض می‌کنند (نوربها، ۱۳۸۵: ۲۳۳). این تعریف‌ها و مشابه آن‌ها (برای نمونه، ر.ک: افراسیابی، ۱۳۸۲: ۳۵۳؛ محسنی، ۱۳۸۲: ۳۵۶؛ استغانی و دیگران، ۱۳۷۷: ۳۱۸)، جملگی حکایت از این دارند که چند جزئی بودن رفتار شرط ضروری تحقق جرم مرکب می‌باشد که این امر ریشه در مفهوم لغوی کلمه «مرکب» دارد؛ چرا که لفظ مرکب در مقابل بسیط قرار می‌گیرد و به معنای چند جزئی بودن است. از این تعریف‌ها نمی‌توان ارکان و شرایط تحقق جرم مرکب را به روشنی استخراج نمود و همین امر ضرورت شناخت دقیق این جرم را آشکار می‌سازد. با نگاهی به کتب حقوق دانان مشخص می‌گردد که بارزترین و شاید تنها مصداقی که برای جرم مرکب بیان نموده‌اند، جرم کلاهبرداری باشد^۱ تا جایی که بسیاری از حقوق دانان حتی مفهوم جرم مرکب را بر اساس نحوه و شرایط تحقق جرم کلاهبرداری تحلیل نموده‌اند، در حالی که جرم کلاهبرداری صرفاً مصداقی از جرم

۱. با این وجود به سختی می‌توان برخی از نمونه‌های جرم مرکب مانند جاسوسی را در بعضی از کتب حقوق دانان پیدا نمود (محسنی، ۱۳۸۲: ۳۵۵) که البته همواره چنین مثال‌هایی برای جرم مرکب با توسل به جرم کلاهبرداری و مبنا قرار دادن شرایط تحقق این جرم بوده است که خود بیشتر اثبات کننده این ادعاست که جرم مرکب بیش از هر چیز وام‌دار مفهوم و شرایط تحقق جرم کلاهبرداری است. با این حال در ادامه این مقاله با ارائه مفهوم دقیق و حقوقی‌تر از جرم مرکب مثال‌های بیشتری که منطبق بر شرایط جرم مرکب می‌باشد، ارائه شده است.

مرکب است و باید قبل از پرداختن به مصادیق جرم مرکب، ابتدا مفهوم، ارکان و شرایط تحقق آن دقیقاً بررسی و از سایر جرایم متمایز گردد و سپس در مقام مثال و تشریح بیشتر، از مصادیق آن استفاده شود. عدم توجه به این مطلب نه تنها باعث شده تا ارکان جرم مرکب و شناسایی آن بر اساس چگونگی تحقق جرم کلاهبرداری تبیین گردد، بلکه در تشریح دقیق مفهومی و ارکانی جرم مرکب نیز مانعی به شمار می‌آید؛ امری که با بررسی اجمالی تعریف‌های ارائه شده از سوی حقوق دانان به روشنی قابل کشف است. ریشه این نوع برخورد با جرم مرکب را باید در فقدان تعریف و شناسایی دقیق ارکان آن دانست؛ چرا که این ابهامات باعث شده تا نتوان اصول و شرایط تحقق جرم مرکب را دقیقاً و مستقل از جرم کلاهبرداری برشمرد. همین امر عاملی شده تا حقوق دانان به کلاهبرداری روی آورند و تشریح ارکان آن را جایگزین تشریح ارکان جرم مرکب نمایند و به عبارتی، بین مبنا و مصداق خلط شده که در نهایت یکی جایگزین دیگری شده است.

۲-۱-۲. نقد تعدد اجزای عنصر مادی به عنوان معیار شناسایی

همان گونه که قبلاً نیز بیان گردید بسیاری از حقوق دانان چند جزئی بودن عنصر مادی جرم مرکب را ملاک شناسایی آن قرار داده اند، به گونه‌ای که برخی جرم مرکب را جرمی دانسته‌اند که عنصر مادی آن از افعال مختلف تشکیل شده و به قصد تحقق نتیجه واحد ترکیب یافته باشد (اردبیلی، ۱۳۸۵: ۲۱۴) یا عنصر مادی آن مشتمل بر ارتکاب عملیات مختلفی است که بر روی هم عنصر مادی جرم را تشکیل می‌دهند (ولیدی، ۱۳۸۴: ۶۲). حقوق دان دیگری بیان می‌کند که جرم مرکب جرمی است که رکن مادی آن را بیش از یک فعل تشکیل داده باشند (زرزاعت، ۱۳۸۶: ۱۶۷). در کامن‌لا نیز تعریف‌های تقریباً مشابه با جرم کلاهبرداری به عنوان مصداق جرم مرکب ارائه شده است؛ برای مثال شخصی که با توسل به وسایل فریبنده به قصد محرومیت دائمی دیگری اموال وی را تصاحب می‌کند کلاهبردار محسوب می‌شود (Elliott & Quinn, 2006: 229).

بر این اساس عنصر مادی جرایم مرکب، دارای اجزای متنوعی است که ملاک

شناسایی و تشخیص آن از سایر جرایم قرار گرفته است. در حالی که بر این نظریه ها و ملاک ها این ایراد وارد است که همه آن ها در جرایم مقید نمود پیدا می کنند؛ زیرا رکن مادی این جرایم را حداقل دو جزء تشکیل می دهند: رفتار فیزیکی و نتیجه حاصل شده از رفتار متهم. با این وجود جرم مقیدی را نمی توان یافت که عنصر مادی آن از یک جزء تشکیل شده باشد. لذا از آنجا که عنصر مادی این جرایم از اجزای متعددی تشکیل شده است، پذیرش چندجزئی بودن عنصر مادی به عنوان معیار شناسایی جرم مرکب، منجر به مرکب دانستن همه جرایم مقید می شود.

۲-۱-۳. نقد تعدد رفتار به عنوان معیار شناسایی

برخی دیگر از حقوق دانان به جای چندجزئی بودن عنصر مادی، «تعدد رفتارهای مختلف (اعمال گوناگون)» را معیار تشخیص جرم مرکب دانسته اند (ر.ک: نوربها، ۱۳۸۵: ۲۳۳). بر اساس این معیار وجود صرفاً چند رفتار فیزیکی مختلف برای تحقق جرم مرکب لازم و کافی است. این دسته از حقوق دانان، معیار شناسایی جرم مرکب را صرفاً تعدد رفتار فیزیکی قرار داده اند، فارغ از اینکه ممکن است جرمی از یک رفتار و یک نتیجه جداگانه تشکیل شده باشد، به گونه ای که هم رفتار و هم نتیجه برای تحقق جرم موضوعیت داشته باشند و رفتار بدون نتیجه و نتیجه بدون رفتار، جرم تلقی نگردد. بر اساس این معیار، این دسته از جرایم مصداق جرایم مرکب نخواهند بود؛ چرا که مطابق نظر مذکور، تعدد رفتارهای مختلف، شرط تحقق جرم مرکب هستند و چون رفتار فیزیکی این دسته از جرایم ممکن است صرفاً از یک رفتار تشکیل شده باشد، جرم مرکب تلقی نخواهد شد. مصداق بارز این جرایم را می توان کلاهبرداری که خود مثال اصلی جرم مرکب می باشد، دانست؛ زیرا رفتار فیزیکی در کلاهبرداری فقط به صورت توسل به وسایل متقلبانه نمود پیدا می کند و بردن مال دیگری همان گونه که درباره آن اتفاق نظر وجود دارد صرفاً نتیجه جرم است نه جزئی از «رفتار مجرمانه» (آزمایش، بی تا: ۹۵؛ Findlay, 2001: 339). البته شایان ذکر است که رفتار فیزیکی توسل به وسایل متقلبانه همواره باید به صورت فعل باشد و امکان تحقق آن به صورت ترک فعل ممکن نیست. این امر در رویه قضایی کشور

ما نیز همان گونه که در رأی شماره ۱۹ مورخ ۱۳۲۲/۵/۱ شعبه دوم دیوان عالی کشور اشاره شده، مورد پذیرش قرار گرفته است.

۲-۲. معیار شناسایی جرم مرکب

سرانجام استدلال‌های مباحث پیش، اثبات این امر بود که نمی‌توان به مفاهیم ارائه شده از جرم مرکب اعتماد کرد، لذا پس از بیان انتقادات، ضروری است تحلیلی از جرم مرکب بیان شود تا معیاری دقیق از جرم مرکب به دست آید.

۲-۲-۱. چگونگی ترکیب اجزای مختلف جرم مرکب

با توجه به اینکه جرم مرکب، استثناً بر جرم ساده می‌باشد، باید شرایط تحقق جرم ساده را نداشته باشد و همان گونه که بیان شد از آنجا که شرط تحقق جرم ساده انجام صرفاً یک عمل واحد است (ملک اسمعیلی، ۱۳۵۵: ۳۵) هرگاه جرم از بیش از یک عمل واحد ترکیب یافته باشد و جرم به عادت یعنی تکرار یک عمل مشابه (معمد، ۱۳۵۱: ۳۳۸) نیز نباشد، ظاهراً باید بحث جرم مرکب را به میان آورد. البته باید توجه داشت که بر خلاف ظاهر آنچه حقوق دانان به عنوان ماهیت جرم ساده بیان داشته‌اند، نمی‌توان جرم ساده را جرمی دانست که لزوماً از یک عمل واحد تشکیل شده باشد (ر.ک: افراسیابی، ۱۳۸۲: ۲۷۶؛ محسنی، ۱۳۸۲: ۳۵۶؛ استفانی و دیگران، ۱۳۷۷: ۳۱۶)؛ زیرا جرم ساده را بر اساس اینکه صرفاً به نتیجه مجرمانه یا رفتار مرتکب توجه شده باشد، می‌توان اعم از مطلق یا مقید دانست. برای نمونه هنگامی که قتل به عنوان مصداق جرم مقید مطرح می‌شود، آنچه برای تحقق این جرم لازم است سلب حیات به عنوان «نتیجه» است (صانعی، ۱۳۷۲: ۴۴۹). از طرف دیگر همین جرم را از مصادیق بارز جرم ساده دانسته‌اند (محسنی، ۱۳۸۲: ۳۵۶؛ Clarkson & Keating, 1987: 14). لذا برخی از جرایمی که مطابق یک تقسیم‌بندی جرم ساده تلقی می‌شوند و بر اساس تقسیم‌بندی دیگر جرم مقید نامیده می‌شوند، صرفاً با تحقق یک «نتیجه» شکل می‌گیرند و نه لزوماً «فعل واحد». در این نوع جرایم بدون توجه به اینکه نتیجه مورد نظر قانون‌گذار از چه رفتاری حاصل شده، آنچه که توصیف مجرمانه به آن تعلق می‌گیرد، تحقق نتیجه ممنوعه‌ای است که قانون‌گذار تبیین نموده است

(Herring, 2002: 34; Clarkson & Keating, 1987: 13). به همین دلیل مطابق ماده ۲۰۶ قانون مجازات اسلامی، هرگاه قتل یا جرحی اعم از عمد یا غیر عمد رخ دهد، بدون توجه به اینکه این نتایج به وسیله چاقو، سلاح گرم، جسم سخت یا ترساندن و... حاصل شده باشند، مجازات مذکور اعمال می‌گردد. در این نوع جرایم که عنوان مجرمانه تنها به نتیجه تعلق می‌گیرد، نوع و کیفیت رفتاری که نتیجه مورد نظر از آن حاصل شده در تعلق عنوان مجرمانه (از دید قانون‌گذار و نه در عالم واقع^۱) بی‌تأثیر است و هیچ نقشی در وقوع جرم ندارد (Elliott & Quinn, 2006:10). در غیر این صورت، اگر عنوان مجرمانه در این جرایم به نوع رفتار نیز بستگی داشت، می‌بایست عملاً تغییر در نوع رفتار، نوع جرم مورد نظر را تغییر می‌داد، حال آنکه برای مثال، قتل اعم از اینکه با چاقو، سم یا طناب رخ داده باشد به محض سلب حیات، محقق می‌شود و نوع رفتار تأثیری در تحقق جرم قتل ندارد. علاوه بر این، قانون‌گذار در تبصره یک ماده ۱۳۳ لایحه مجازات اسلامی ۱۳۹۰ با به رسمیت شناختن مفهوم تعدد نتایج برای اولین بار، به صراحت تمرکز خود را از رفتار مجرمانه به سوی نتایج حاصل از آن تغییر داده و آن را مشمول تعدد مادی دانسته است.

بنابراین با توجه به اینکه جرم ساده، یا مطلق است یا مقید، باید آن را جرمی دانست که وصف مجرمانه صرفاً به یک رفتار یا یک نتیجه خاص ناشی از رفتار تعلق می‌گیرد. پس باید گفت که در دو صورت می‌توان جرم ساده را منتفی دانست؛ یکی اینکه جرم مورد نظر از چند رفتار مجرمانه بدون توجه به نتیجه احتمالی، ترکیب یابد. به عبارت دیگر، وصف مجرمانه هم‌زمان به چند رفتار متنوع صرف نظر از نتیجه آن‌ها، تعلق گرفته باشد، به گونه‌ای که هیچ کدام از آن رفتارها به تنهایی برای تحقق عنصر مادی جرم کفایت نمی‌کنند و مجموع آنها عنصر مادی جرم را تشکیل می‌دهد. صورت دیگر اینکه وصف مجرمانه هم‌زمان به نتیجه و رفتار با هم تعلق گیرد. پیش از بررسی این دو فرض به عنوان معیار و اساس شناخت جرم مرکب، باید توجه داشت که تحقق عملی چند نتیجه از یک رفتار به معنای تعدد

۱. بدیهی است که در عالم خارج هیچ نتیجه‌ای بدون انجام رفتار متصور نیست. لذا هر جرم مقیدی «عملاً» مستلزم انجام رفتار می‌باشد.

نتیجه (ر.ک: نوربها، ۱۳۸۵: ۴۱۳) چیزی غیر از جرم مرکب است که اصولاً در بحث تعدد جرایم بررسی می‌شود.

۲-۲-۲. تعدد و تنوع رفتار مرتکب؛ جرم مرکب مطلق

یکی از صورت‌های تحقق جرم مرکب و غیر ساده، این است که رفتار مجرمانه از بیش از یک عمل تشکیل شده باشد و به عبارت بهتر، رفتار فیزیکی لازم و کافی برای تحقق جرم، متعدد و متنوع باشد. در این حالت، توصیف مجرمانه به چند رفتار متفاوت تعلق می‌یابد و تا زمانی که همه آن‌ها ارتکاب نیابند، جرم مورد نظر محقق نمی‌شود. در این صورت بدون توجه به نتیجه، اعمال و رفتارهای متعدد، جرم‌انگاری می‌شوند. به همین دلیل این جرایم را جرم مرکب مطلق نامیده‌ایم. یکی از مثال‌های قانونی این جرم، طرح براندازی حکومت اسلامی، موضوع ماده ۱۸۷ قانون مجازات اسلامی می‌باشد و از این جهت که به طور قانونی مستلزم ارتکاب بیش از یک نوع رفتار است و به نتیجه احتمالی ناشی از آن نیز توجه نشده، جرم مرکب مطلق به شمار می‌آید. بند اول این ماده مقرر می‌دارد: «هر فرد یا گروه که طرح براندازی حکومت اسلامی را بریزد و برای این منظور اسلحه و مواد منفجره تهیه کند... محارب و مفسد فی الارض می‌باشند». همچنان که از این ماده برمی‌آید و با توجه به حرف عطف «و او»، این جرم با ارتکاب دو فعل انجام می‌شود (بیمانی، ۱۳۷۴: ۷۱)؛ ابتدا باید طرح براندازی حکومت تنظیم و سپس اسلحه و مواد منفجره تهیه شود و اگر یکی از این رفتارها صورت نگیرد، جرم مذکور محقق نمی‌شود. با این حال چنانچه هر دو فعل انجام شوند، بدون توجه به نتایج احتمالی ناشی از این رفتارها و بدون توجه به اینکه قصد مرتکب در اجرایی شدن «طرح» واقع شده یا خیر، جرم مذکور در ماده ۱۸۷ محقق شده است. بنابراین اولاً به خاطر ترکیب این جرم از بیش از یک رفتار و ثانیاً به دلیل عدم توجه به نتیجه احتمالی، جرم طرح براندازی حکومت اسلامی، مرکب مطلق است.

۳-۲-۲. تعدد رفتار مرتکب و نتیجه مجرمانه؛ جرم مرکب مقید

صورت دیگر انتهای جرم ساده، تحقق جرم مرکب مقید است؛ یعنی وقوع جرم مستلزم

تحقق رفتاری خاص و نتیجه مجرمانه جداگانه با هم باشد. ابتدا باید این جرم را از جرایم ساده مقید تشخیص داد. در جرم ساده مقید عملاً جرم از یک رفتار و نتیجه تشکیل می‌شود؛ زیرا همان گونه که بیان شد جرم ساده مقید جرمی است که وصف جزایی به نتیجه مجرمانه تعلق گرفته است. لذا از یک سو حتماً باید نتیجه مجرمانه تحقق یابد و از سوی دیگر از آنجا که هر نتیجه مجرمانه در واقع نتیجه عملی یک یا چند رفتار است، بنابراین در همه جرایم ساده مقید نیز ظاهراً باید پذیرفت که وقوع جرم حتماً با تحقق رفتار و نتیجه محقق می‌گردد. اما باید توجه داشت که در جرایم ساده، وصف مجرمانه یا صرفاً به یک رفتار به تنهایی بدون توجه به ترتب نتیجه خاصی بر آن، تعلق یافته است (ساده مطلق) یا صرفاً به نتیجه خاصی صرف نظر از اینکه با چه رفتاری محقق شده، توجه گردیده است (ساده مقید). بنابراین ممیز جرایم مرکب مقید از جرایم ساده مقید این واقعیت است که در جرایم مرکب مقید همان گونه که اشاره شد وقوع جرم باید مستلزم تحقق رفتار خاص مرتکب و نتیجه «جداگانه» مجرمانه «با هم» باشد. به عبارت دیگر، وقوع جرم مرکب مقید مستلزم این است که اولاً تنها با انجام رفتاری خاص که مقنن پیش‌بینی نموده، محقق گردد و ثانیاً علاوه بر انجام آن رفتار خاص، لزوماً باید نتیجه مورد نظر وی نیز عملی گردد. برای مثال، بردن مال دیگری بدون توسل به وسایل متقلبانه یا توسل به وسایل متقلبانه بدون بردن مال غیر، کلاهبرداری نیست (گرچه حسب مورد می‌تواند عنوان مجرمانه دیگری داشته باشد)؛ زیرا در این نوع جرایم عنوان مجرمانه هم به رفتار و هم به نتیجه با هم تعلق گرفته است و وقوع هر دو رکن، شرط تحقق جرم می‌باشد، در حالی که همچنان که گفته شد، در جرم ساده مقید عنوان مجرمانه صرفاً به نتیجه تعلق می‌گیرد و به محض وقوع نتیجه، جرم محقق می‌شود و اینکه نتیجه با چه رفتار و کیفیتی انجام شده، مد نظر قانون‌گذار نیست. بنابراین در قتل، صرف سلب حیات برای تحقق جرم کافی است و عنوان مجرمانه علاوه بر سلب حیات، به رفتار خاصی تعلق نگرفته و نوع و کیفیت آن از نظر قانون‌گذار بر خلاف جرایم مرکب مقید، در تحقق جرم بی‌تأثیر است.

نکته بسیار مهم دیگری که در تفاوت جرایم مرکب مقید و ساده مقید باید بر آن تأکید نمود، قید جداگانه بودن در تحقق نتیجه است، به این معنا که در جرم مرکب

مقید نتیجه حاصل شده، خود به صورت فعلی جدا از رفتار مرتکب بروز می‌کند، نه اینکه نتیجه مذکور همانند جرم ساده مقید حالتی عارض بر رفتار مرتکب باشد. یعنی در جرم ساده مقید، مرتکب صرفاً رفتار را انجام می‌دهد و نتیجه در پی رفتار و بر حسب کیفیت و شدت آن محقق می‌شود و این گونه نیست که مرتکب برای تحقق نتیجه، فعالیت مضاعفی را غیر از رفتار ارتكابی انجام دهد. بلکه نتیجه پس از ارتكاب رفتار متناسب نتیجه‌دهنده، محقق می‌گردد؛ همانند جرم قتل که به محض وارد کردن ضربات کشنده، محقق می‌شود و نمی‌توان در عرف دو فعالیت مستقل را که یکی محقق‌کننده رفتار و دیگری محقق‌کننده نتیجه باشد، در این موارد فرض کرد، در حالی که در جرایم مرکب مقید هر یک از رفتار و نتیجه، فعالیت جدای از هم را می‌طلبند و عرفاً جدای از هم قابل تصور و تحقق هستند؛ همانند کلاهبرداری که رفتار آن، توسل به وسیله متقلبانه و نتیجه آن، تلاش مستقل دیگر برای بردن مال غیر است و با صرف توسل به وسیله متقلبانه نمی‌توان انتظار بردن مال غیر و ترتب الزامی نتیجه را بر آن داشت.

در توضیح این مطلب باید گفت که اصولاً جرایم مرکب اعم از مطلق یا مقید همیشه از چند نوع رفتار شکل می‌گیرد ولی هنگامی که یکی از این رفتارها توسط قانون‌گذار، خود به عنوان نتیجه جرم مورد توجه قرار گیرد، جرم مرکب مقید رخ داده است. این حالت مسلماً با حالتی که نتیجه، عارض بر رفتار مجرمانه باشد ماهیتاً و عملاً تفاوت دارد؛ زیرا در همان مثال قتل، کشتن یا مرگ به عنوان نتیجه جرم، عارض بر رفتار است و برای تحقق آن نیاز به انجام فعل دیگری نیست، در حالی که در جرم مرکب مقید این نتیجه خود به صورت یک رفتار جدا از رفتار مجرمانه بروز می‌کند و حالتی نیست که مستقیماً از رفتار ارتكابی ناشی شده باشد. از طرف دیگر، باید دانست که چنین تفاوت ماهیتی بین نتایج مذکور، ریشه در ضرورت شناخت و تشخیص جرم مرکب در حقوق کیفری دارد؛ زیرا اگر نتیجه را در این دسته از جرایم مانند جرایم ساده مقید در نظر بگیریم، هیچ کدام از آثار و فوایدی که جرم مرکب در حقوق کیفری دارد (و برخی را در فصل اول برشمردیم) حاصل نمی‌شود و در واقع شناخت جرم مرکب و تشخیص آن از جرایم ساده امری عبث می‌نماید.

برای اثبات ادعا و ملموس‌تر کردن مباحث این قسمت، مثالی را که همه حقوق‌دانان آن را جرم مرکب دانسته‌اند به مثابه جرم مرکب مقید بیان می‌کنیم. کلاهبرداری به عنوان مثال همیشگی جرم مرکب، از جرایم مرکب مقید است؛ زیرا از طرفی در مرکب بودن آن تردیدی وجود ندارد (ر.ک: محسنی، ۱۳۸۲: ۳۵۷) و از طرف دیگر با توجه به اینکه کلاهبرداری بردن متقلبانه مال غیر است (حبیب‌زاده، ۱۳۷۳: ۱۱۸؛ Gardner & Anderson, 2006: 348) جرمی مقید است (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۵: ۸۲). بنابراین کلاهبرداری از جرایم مرکب مقید به شمار می‌آید. همچنین به نظر می‌رسد که کلاهبرداری مثال مناسبی برای توصیف بهتر ماهیت نتیجه در جرایم مرکب مقید در مقایسه با جرایم ساده مقید است؛ زیرا همان گونه که مشخص است بردن مال به عنوان نتیجه کلاهبرداری (Findlay, 2001: 339) همواره به صورت یک فعل بروز می‌نماید و هیچ گاه بر توسل به وسایل متقلبانه عارض نخواهد بود؛ زیرا برای تحقق کلاهبرداری پس از مانور متقلبانه باید حتماً مال باخته فریب بخورد و به واسطه آن مال را به دیگری بدهد و نهایتاً مرتکب مال را ببرد (Ashworth, 1991: 352). این امر به صراحت در رأی شماره ۲۰ شعبه بیستم دیوان عالی کشور بیان شده است. بنابراین قابل تصور و بلکه واضح است که بردن مال دیگری حالتی عارضی بر توسل به وسایل متقلبانه نیست، بلکه به صورت یک فعل خاص صورت گرفته است، در حالی که در جرمی مثل قتل، مرگ قربانی صرفاً نیازمند رفتار مجرمانه مرتکب است لذا دقیقاً حالتی است عارض بر رفتار مجرمانه.

در پایان بحث باید به نکته مهمی اشاره نمود که علاوه بر تشخیص بهتر ماهیت جرایم مرکب مقید، منجر به تفکیک این دسته از جرایم از برخی وضعیت‌ها و نهادهای حقوقی مشابه می‌گردد. باید دانست که تحقق جرایم مرکب مقید منوط به این شرط اساسی است که تمامی افعال متعدد باید «قابلیت» ارتکاب توسط یک نفر را داشته باشند، وگرنه در صورتی که افعال متعدد و متنوع لزوماً توسط دو یا چند نفر قابلیت ارتکاب داشته باشند و نتوان ارتکاب آن‌ها را توسط یک نفر تصور نمود، پا به عرصه نهادی آشنا در حقوق کیفری به نام «معاونت» نهاده‌ایم؛ چرا که در تحقق معاونت در جرم، انجام حداقل دو فعل جداگانه توسط معاون و مباشر ضروری

است. در این حالت تا زمانی که مباشر، جرم (رفتار) را انجام نداده باشد عمل معاون جرم محسوب نمی‌گردد و بعد از ارتکاب جرم از سوی مباشر، معاون نیز مجرم شناخته می‌شود. گرچه در این حالت علاوه بر رفتار معاون، ارتکاب رفتار مجرمانه از سوی مباشر نیز لازم است ولی معاونت را نمی‌توان جرم مرکب مقید دانست؛ زیرا در این حالت تحقق عنصر مادی معاونت بر خلاف جرایم مرکب مقید منوط به تحقق دو رفتار متفاوت نیست، بلکه تعلق عنوان مجرمانه به رفتار معاون صرفاً به ارتکاب رفتار مجرمانه مباشر منوط شده است؛ امری که از آن در حقوق کیفری به عاریه‌ای بودن مجرمیت یاد می‌شود. در این خصوص لایحه مجازات اسلامی ۱۳۹۰ در مورد جرم قوادی به عنوان مصداقی خاص از معاونت (در قالب جرم مستقل) دارای نکته جالبی است که ممکن است در صورت عدم توجه به تذکر فوق با جرایم مرکب مقید مشتبه گردد. قانون‌گذار بعد از اینکه در ماده ۲۴۰ لایحه ۱۳۹۰ تعریفی نسبتاً مشابه با قانون فعلی، از قوادی مستوجب حد ارائه کرده، در تبصره یک ماده مذکور بر خلاف قانون فعلی، تحقق این جرم را از حالت اطلاق خارج نموده و مشروط به تحقق زنا و لواط می‌کند. بر این اساس تحقق قوادی علاوه بر فعل قواد، به ارتکاب زنا یا لواط نیز منوط شده است. لذا از آنجا که اولاً زنا یا لواط، رفتار عملی جرم قوادی را تشکیل نمی‌دهند و صرفاً شرط تحقق جرم قوادی هستند و ثانیاً انجام زنا یا لواط لزوماً باید توسط اشخاصی غیر از قواد صورت پذیرد، عمل قوادی نوعی معاونت است و جرم مرکب مقید به شمار نمی‌آید.

۲-۲-۴. طرح چند مصداق جدید از جرم مرکب

در این مبحث بر اساس ملاکی که در خصوص شناخت جرم مرکب بیان شد، افزون بر کلاهبرداری، تعدادی از جرایمی را که منطبق بر معیار و دسته‌بندی‌های پیش‌گفته می‌باشند به عنوان مصداقی جدید از جرم مرکب، بررسی می‌کنیم.

- ماده ۱۰۰ قانون جرایم نیروهای مسلح یکی از مصداق جرم مرکب مطلق است و بیان می‌دارد: «هر نظامی که مهر یا تمبر یا علامت یکی از نیروهای مسلح یا سازمان‌ها و یا ادارات و یا شرکت‌های وابسته به آن‌ها را بدون مجوز به دست آورد

و به صورت غیر مجاز استفاده کند یا موجبات استفاده آن را فراهم آورد...». در این ماده دو شرط برای تحقق جرم پیشینی شده است؛ یکی اینکه بدون مجوز، موارد تصریح شده را به دست آورد و دیگر اینکه از آن‌ها به صورت غیر مجاز استفاده کند. بنابراین جرم مذکور از دو رفتار «بدون مجوز به دست آوردن» و «استفاده غیر مجاز» تشکیل شده است و از آن جهت که جرم مرکب مطلق می‌باشد، هر نظامی که مهر یا تمبر و... را به صورت غیر مجاز به دست آورد، صرف این رفتار برای مجرم تلقی کردن وی کافی نخواهد بود. همچنین است استفاده غیر مجاز از مهر یا تمبری که به صورت غیر مجاز به دست نظامی نیفتاده باشد.

- تبصره ماده ۵۱۰ ق.م.ا.: «هر کس بدون آنکه جاسوسی کند و یا جاسوسان را مخفی نماید افرادی را به هر نحو شناسایی و جذب نموده و جهت جاسوسی علیه امنیت کشور به دولت خصم یا کشورهای بیگانه معرفی نماید به شش ماه تا دو سال حبس محکوم می‌شود». طبق این تبصره، رفتار مجرمانه مرکب از چند قسمت است: شناسایی، جذب و معرفی (کلدوزیان، ۱۳۸۰: ۴۸۰). با اغماض می‌توان میان شناسایی و جذب جمع کرد، ولی مسلماً «معرفی نمودن» فعل جداگانه‌ای است. بنا به تصریح ماده، باید شخص مورد نظر ابتدا شناسایی و جذب و سپس معرفی شود (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۵: ۱۰۸). پس به خوبی می‌توان قاعده مذکور در تعریف جرم مرکب مطلق را بر این قسمت از ماده تطبیق داد.

- ماده ۷۴۴ قانون مجازات اسلامی که مربوط به جرایم رایانه‌ای است، مقرر می‌دارد: «هر کس که به وسیله سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی، فیلم یا صوت یا تصویر دیگری را تغییر دهد یا تحریف کند و آن را منتشر نماید و یا با علم به تغییر یا تحریف منتشر کند به نحوی که عرفاً موجب هتک حیثیت او شود...». وقوع جرم مذکور مستلزم تغییر یا تحریف صوت و یا تصویر دیگری و سپس انتشار هتک‌آمیز آن می‌باشد. رفتار در جرم مذکور همان گونه که معلوم و مشخص است تغییر تصویر یا صوت است و نتیجه جرم که به صورت جداگانه (و نه عارض بر رفتار) به عنوان جزئی دیگر از جرم مذکور قرار گرفته، انتشار هتک‌آمیز تصویر یا صوت تحریف شده است. بنابراین از آن جهت که ویژگی بارز جرایم مرکب مقید، تشکیل

آن در قالب یک رفتار و یک نتیجه جداگانه است (هرچند نتیجه مذکور ماهیتاً فعل است، قانون‌گذار آن را نتیجه جرم به شمار می‌آورد)، جرم مذکور نیز یکی از مصادیق جرایم مرکب مقید محسوب می‌گردد.

- ماده ۱۹ قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان: «هرگونه تغییر یا تحریف در اثرهای مورد حمایت این قانون و نشر آن بدون اجازه پدیدآورنده ممنوع است». ابتدا باید دانست از آنجا که ماده ۲۵ همین قانون، ضمانت اجرایی کیفری برای ممنوعیت ملحوظ در ماده فوق است، در جرم‌انگاری افعال مذکور در ماده ۱۹ نمی‌توان تردید نمود. با دقت در جرم مذکور در این ماده مشخص می‌شود که قانون‌گذار جرم مرکب مقید را پیش‌بینی کرده است؛ زیرا آنچه که متعلق این جرم است، تغییر یا تحریف اثر و سپس نشر بدون اجازه آن است و هیچ کدام به تنهایی منظور ماده نیست و علاوه بر آن نشر بدون اجازه را نتیجه جداگانه جرم قلمداد کرده است که نشان می‌دهد جرم پیش‌بینی شده در این ماده از مصادیق جرم مرکب مقید است. بنابراین اگر اثری تحریف شود ولی منتشر نگردد یا اثری که تحریف یا تغییری در آن داده نشده بدون اجازه پدیدآورنده منتشر گردد، عمل ارتكابی مشمول این ماده نخواهد بود؛ زیرا جرم مذکور مصداقی از جرایم مرکب مقید است.

نتیجه‌گیری

در تفسیر ماهیت جرم مرکب و شناسایی آن از جرم ساده بین حقوق‌دانان اتفاق نظر وجود ندارد؛ گروهی تعدد اجزای عنصر مادی و گروهی دیگر تنوع رفتار فیزیکی را شرط تحقق جرم مرکب می‌دانند. پذیرش هر کدام از این نظرات به عنوان مبنای تشخیص جرم مرکب، به دلیل مصون‌نماندن از انتقاد و ایراد، چالش‌ها و ابهام‌های فراوانی را ایجاد می‌نماید که به دلیل تأثیر جرم مرکب در حقوق کیفری، این معیارها چندان کارآمد و مناسب نیستند؛ چرا که با پذیرش نظریه نخست باید تمام جرایم مقید را مرکب فرض نمود، به این دلیل که عنصر مادی جرایم مرکب لااقل از دو جزء رفتار و نتیجه تشکیل شده و بر اساس نظریه مذکور عنصر مادی جرایم مرکب از دو جزء تشکیل می‌شود لذا باید تمام جرایم از قبیل قتل را جرم مرکب

به شمار آورد، در حالی که غیر منطقی بودن نظریه مذکور کاملاً روشن است. پذیرش نظریه دوم نیز خالی از ایراد نیست؛ زیرا این امر نتیجه‌ای ندارد جز اینکه کلاهبرداری را که مصداق بارز جرم مرکب است، از شمول جرایم مرکب خارج می‌سازد؛ چرا که جرم کلاهبرداری از یک رفتار توسل به وسایل متقلبانه و یک نتیجه جداگانه که همان بردن مال دیگری است، تشکیل شده است، در حالی که بر اساس نظریه اخیر جرم مرکب باید حداقل از دو رفتار تشکیل شود و از آن جهت که کلاهبرداری دارای یک نوع رفتار است، نمی‌توان آن را جرم مرکب دانست. بنابراین هیچ یک از معیارهای فوق، ملاک درست و دقیقی برای شناسایی جرم مرکب نیستند. به نظر می‌رسد که تمیز جرم مرکب از جرم ساده را باید بر اساس مطلق یا مقید بودن آن‌ها تعیین نمود. برای رسیدن به این هدف باید هر کدام از جرایم ساده و مرکب را با توجه به مطلق یا مقید بودنشان تعریف کرد. بنابراین جرم «ساده مطلق» جرمی است که وصف مجرمانه به یک رفتار خاص تعلق می‌گیرد، بدون توجه به نتیجه احتمالی ناشی از آن رفتار و جرم «ساده مقید» نیز جرمی است که وصف مجرمانه فقط به نتیجه حاصل شده مورد نظر قانون‌گذار تعلق می‌گیرد، صرف نظر از اینکه با چه فعل یا ترک فعلی صورت گیرد. در مقابل، جرم «مرکب مطلق» جرمی است که وصف مجرمانه به مجموعه رفتار مورد نظر مقنن تعلق می‌گیرد، یعنی وجود چند فعل برای تحقق آن جرم لازم و کافی است، بدون نیاز به ترتب نتیجه‌ای خاص. در نهایت، جرم «مرکب مقید» جرمی است که وصف مجرمانه به رفتار و نتیجه با هم تعلق می‌گیرد، مانند کلاهبرداری. نکته مهم اینکه ماهیت نتیجه در کلاهبرداری با جرایم ساده تفاوت دارد؛ نتیجه در جرایم ساده مقید، امری مادی و عملی و مستقل از رفتار خارجی است، در حالی که نتیجه در جرایم مرکب مقید، به صورت جداگانه است و همواره به صورت یک فعل بروز می‌نماید و هیچ‌گاه عارض بر رفتار خارجی نخواهد بود که مصداق بارز آن را می‌توان «بردن» در جرم کلاهبرداری بیان نمود؛ زیرا هر چند «بردن» ماهیتاً رفتار است، به عنوان نتیجه کلاهبرداری قرار می‌گیرد و به هیچ وجه حالتی عارض بر توسل به وسایل متقلبانه نمی‌باشد.

کتاب‌شناسی

۱. آزمایش، علی، *تقریرات حقوق جزای اختصاصی*، جرایم علیه اموال، تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، بی‌تا.
۲. اردبیلی، محمدعلی، *حقوق جزای عمومی*، چاپ شانزدهم، تهران، میزان، ۱۳۸۵ ش.
۳. استفانی، گاستون، ژرژ لواسور و برنار بولوک، *حقوق جزای عمومی*، ترجمه حسن دادبان، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۷ ش.
۴. افراسیابی، محمداسماعیل، *حقوق جزای عمومی*، چاپ چهارم، تهران، داد، ۱۳۸۲ ش.
۵. باهری، محمد، *تقریرات حقوق جزای عمومی*، تهران، رهام، ۱۳۸۱ ش.
۶. پیمانی، ضیاءالدین، *جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی*، تهران، میزان، ۱۳۷۴ ش.
۷. حبیب‌زاده، محمدجعفر، *جرایم علیه اموال*، تهران، سمت، ۱۳۷۳ ش.
۸. زراعت، عباس، *حقوق جزای عمومی*، چاپ چهارم، تهران، فردوسی، ۱۳۸۶ ش.
۹. صانعی، پرویز، *حقوق جزای عمومی*، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۲ ش.
۱۰. گلدوزیان، ایرج، *حقوق جزای اختصاصی*، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۰ ش.
۱۱. گلدوست جویباری، رجب، *کلیات آیین دادرسی کیفری*، تهران، جنگل، ۱۳۸۶ ش.
۱۲. محسنی، مرتضی، *دوره حقوق جزای عمومی (پدیده جنایی)*، چاپ دوم، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۲ ش.
۱۳. مدنی، سیدجلال‌الدین، *آیین دادرسی کیفری*، چاپ دوم، تهران، پایدار، ۱۳۷۹ ش.
۱۴. معتمد، محمدعلی، *حقوق جزای عمومی*، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۱ ش.
۱۵. ملک‌اسمعیلی، عزیزالله، *حقوق جزای عمومی*، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۵ ش.
۱۶. میرمحمدصادقی، حسین، *جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی*، تهران، میزان، ۱۳۸۵ ش.
۱۷. نوربها، رضا، *زمینه حقوق جزای عمومی*، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۵ ش.
۱۸. ولیدی، محمدصالح، *جرایم علیه اموال و مالکیت*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۴ ش.
19. Ashworth, Andrew, *Principles of criminal law*, New York, Oxford University Press, 1991.
20. Bell, Johan & Sophie Boyron & Simon Whittaker, *Principle of French Law*, New York, Oxford University Press, 1998.
21. Clarkson, C.M.V. & H.M. Keating, *Criminal law: text and material*, 2nd ed., London, Sweet & Maxwell, 1987.
22. Elliott, Catherine & Frances Quinn, *Criminal law*, 6th ed., London, Longman, 2006.
23. Findlay, Mark, *Problems for the criminal law*, London, Oxford University Press, 2001.
24. Gardner, Thomas J. & Terry M. Anderson, *Criminal law*, 9th ed., London, Wadsworth, 2006.
25. Herring, Jonathan, *Criminal law*, 3rd ed., London, Palgrave, 2002.
26. Jones, Peter, *Fraud and corruption in public services; A guide to risk and Prevention*, Gower Publishing Limited, 2004.
27. Keenan, Denis, *Smith & Keenan's English Law*, London, Longman, 2001.